

به صورت آرمانی (یا کنش اخلاقی) اعتراض نمی کنند بلکه مردم الان می گویند تا زنده ایم یک زندگی حداقلی و آبرومند می خواهیم؛ به اصطلاح کنش ابزاری قوی شده است. ولی اینکه آیا این اعتراضات مردم به این نتیجه برسد، بحث دیگری است. معمولاً دولت ها خواسته اند به مطالبات مردم پاسخ دهند ولی در ایران قوی تر از دولت رسمی، نهادهای موازی است و این دولت تاکنون در برابر خواست مردم پاسخگو نبوده است. لذا به نظر می رسد زمینه اعتراض در جامعه ایران همواره هست و ۲۰ سال است ما در ایران بایک «جامعه جنبشی» روبه رو هستیم.

■ **آقای روحانی عنوان داشتند اعتراض های دی ماه ۹۶ به ترامپ این چراغ سبز را نشان داد که از برجام خارج شود. رابطه میان فرآیندهای بین المللی و جهانی بر اعتراض ها و خشونت های داخلی در کشور چه تأثیری داشته و دارد؟**

گفتم اعتراضات چند علتی است. مثلاً اعتراضات خودی ها در مشهد در دی ماه ۹۶ به ترامپ نامتعادلی این خط را داد که اگر آمریکا از برجام خارج شود، جمهوری اسلامی یا روی زانو می نشیند یا حتی سقوط می کند. البته ترامپ به هدفش نرسید و مردم ایران و جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم های کمرشکن آمریکا مقاومت کردند. ولی همین تحریم ها یکی از پیامدهایش این بود که اعتراضات معیشتی و سیاسی ۹۸ گسترده تر شود. یعنی علل مختلف روی وضعیت های اعتراضی اثر می گذارد.

■ **اعتراض سیاسی به مثابه یک عامل بی ثبات کننده فعال در هر نظام سیاسی امکان وقوع دارد و برای مدیریت آن ابتدا باید فهم صحیحی از مفهوم اعتراض داشته باشیم. طبیعی است حکومت به دنبال ثبات سیاسی خود باشد و اعتراض را تهدید کننده این سیاسی ها قلمداد و با آن برخورد کند. درک و برداشت نظام از اعتراض های اخیر چه بود و چقدر رفتارهای مواجهه ای نقطه تعادل میان اعتراض و ثبات سیاسی را حفظ کرد؟**

مواجهه حاکمیت در ایران با جنبش های اعتراضی مردم «دوگانه» و «خودکشی کننده» است. بخشی از حاکمیت به عوامل واقعی اعتراضات توجه دارد ولی بخشی از حاکمیت این اعتراضات را در چارچوب عملکرد و وظایف یک حکومت ایدئولوژیک توجیه می کند. مثلاً بخشی از حاکمیت برای خودش این انگاره را قائل است که حاکمیت ایران در برابر نظام بین الملل ناعادلانه موجود یک نقش و وظیفه منطقه ای و جهانی دارد (گویی این وظیفه از وظیفه ملی حاکمیت بالاتر است) و در مسیر تحقق این مبارزه با دشمنی آمریکا و اذنباش روبه روست. لذا از نظر حاکمیت خیلی از اعتراضات در ایران به این توطئه های دشمن ارتباط دارد. این دوگانگی در حاکمیت ایران در ارزیابی اعتراضات مردمی باعث شده که پس از ۲۰ سال هنوز پاسخ نهادهای و روالمند به مطالبات مردم معترض داده نشده است.

■ **آیا می توان در کل جامعه ایرانی را یک «جامعه معترض» نامید و تعریف کرد؟**

در بالا اشاره کردم. واقعاً جامعه ایران یک «جامعه جنبشی» است. و جالب است که وقوع اکثر جنبش های اعتراضی قبلی از سوی تحلیلگران پیش بینی شده بود (مثلاً به کتاب جامعه شناسی ایران اینجانب مراجعه کنید). البته روز و ساعت وقوع جنبش ها را نمی توان پیش بینی کرد. هم اکنون هم می توان تصریح کرد اگر اوضاع به همین صورت پیش برود ما در آینده هم جنبش های اعتراضی خواهیم داشت و این جنبش های اعتراضی می تواند به شورش های کوچک و بزرگ و متفرق (و ابرانسوز) تبدیل شود.

■ **جامعه ایرانی چگونه به اعتراض دست می زند؛ به عبارت ساده تر الگوی اعتراض ایرانیان چیست؟ آیا اصلاً الگوی مشخصی دارد؟ این الگو در یکی دو دهه گذشته تغییر کرده است؟**

فرمولش تا حدودی روشن است: اول اینکه مردم ناراضی و معترض در جامعه همیشه حضور دارند. دوم اینکه این مردم تا امکان یک فرصت اعتراض پیدا کنند (مثل جرقه هایی که در جنبش های اعتراضی در بالا به آن اشاره شد) نیروهای امنیتی را غافلگیر می کنند و اعتراض می کنند. و سوم اینکه بعد نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خود را جمع و سعی می کنند اعتراضات را کنترل کنند. به قول خودشان اعتراضات را در خیابان «جمعش می کنند» و بعد می روند از حاکمیت امکانات بیشتری می گیرند. ولی کسی یا

نهادهای مشکل اعتراضات را حل نمی کند. چهارم اینکه بعد هم صدا و سیما شروع می کند به رجز خوانی. تا دوباره یک اعتراض دیگر رخ دهد!! نکته ای که باید توجه داشت، این است که ممکن است این الگو در آینده تکرار نشود و ما شاهد شکل گیری «شورش های بیشتر» یا حکمرانی «امنیتی تر» بشویم. به نظر من راه عاقلانه درمان جامعه جنبشی ایران رسیدن به یک پیمان جمعی (یا توافق بر سر محورهای یک راه برون شو) که مورد حمایت حاکمیت، دولت و نیروهای جامعه مدنی ایران باشد، است.

■ **در اعتراض های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ کدام طبقه های اجتماعی فعال بودند؟**

به نظر من «طبقه متوسط روبه پایین» حامل اصلی جنبش های اعتراضی ۹۶ و ۹۸ بود. این اعتراضات، اعتراضات گرسنگان نبود. در دو دهه گذشته جنبش های اعتراضی ایران «خشونت پرهیزانه» بود اما متأسفانه تداوم بن بست سیاسی در حاکمیت، جنبش های اعتراضی ایران را اخیراً با «خشونت» همراه کرده است.

■ **الگوی اعتراض در شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک تفاوتی با هم داشت یا خیر؟**

همانطور که گفتم، اغلب اعتراضات در ایران وقتی اعتراض جمعی آشکار کرده اند که «فرصت عمل» پیدا کردند. بستن یک روزنامه در سال ۷۸ به دانشجویان فرصت عمل اعتراضی داد. مهندسی انتخابات در ۸۸ به طبقه متوسط شهر تهران فرصت اعتراض داد. افزایش قیمت بنزین در ۹۸ فرصت اعتراض به مردم معترض در شهرهای اطراف شهرهای بزرگ داد. اگر ایران به طرف حکمرانی خوب حرکت نکند در ایران کار را می تواند زلزله سیاسی (یا خیزش اعتراضی) رخ دهد.

■ **چه درصدی از اعتراض ها معلول عوامل و مؤلفه های اقتصادی اعتراض ساز در کشور است؟**

پاسخ دقیق به سؤال شما به مطالعات تجربی بیشتری نیاز دارد. ولی به نظر می رسد شکاف سیاسی مهم ترین عامل اعتراضات دهه ۸۰ بود و الان در دهه ۹۰ مهم ترین عامل

اعتراضات اقتصادی و معیشتی است.

■ **شکاف های اجتماعی مولد اعتراض در جامعه کدام ها هستند و هر کدام چه سهمی دارند؟**

شکاف سیاسی و اقتصادی دو عامل مهم است. و اگر حکمرانی بد و «توقف» رشد اقتصادی ادامه پیدا کند و به عدم توازن و ناپایداری توسعه توجه نشود، در ایران شکاف های قومی و مذهبی هم فعال تر می شود و متأسفانه در آن شرایط امنیت و بقای جامعه ایران را در معرض خطر قرار می دهد.

■ **یکی از چالش های نظام جمهوری اسلامی را محمل های قانونی مضیق می دانند؛ این عامل تا چه حد به رادیکال شدن اعتراض ها و واکنش ها انجامیده است؟**

در حکمرانی ایران قطعاً تعارضات حقوقی در قوانین بالا دستی نقش منفی در اداره کشور دارند. ولی در شرایط فعلی مهمترین مشکل ایران «اراده سیاسی» است نه مشکل حقوقی. تا وقتی اراده سیاسی، حکمرانی خوب را به طور جدی و با همکاری نیروهای جامعه مدنی در دستور کار قرار ندهد، متأسفانه ایران به لحاظ توسعه «درجا» می زند و حتی می تواند «ناامن» هم بشود. ساده بگویم: مشکل کشور ما در شرایط فعلی شناخت جامعه نیست بلکه بی ارادگی در برابر یک جامعه جنبشی و مطالباتی است.